



سید محمد صنیع خانی، در روز ۱۵ دی ماه سال ۱۳۳۲ در شهر قم متولد شد. خانواده صنیع خانی از سال ۱۳۳۸ در تهران، در محله یخچال شوش، رویه روی کوره مرکزی ساکن شدند و کمی بعد هم به محله نازی آباد نقل مکان کردند. سیدمحمد در میان بچه‌های محله به مهریانی و خوش قلب بودن شهرت داشت. در خاطرات هم‌زمانش که روزگاری نیز همسایه‌شان بودند، آمده هیچ‌یک از بچه‌ها خاطرهای بد و ناخوشایند از او ندارد؛ هر چه هست، خوبی و دستگیری است. سیدمحمد اعتقاد داشت حالا که

به لطف خدا، مدال افتخار آمیز سیدی بر گردن دارد باید مراقب اعمال و رفتارش باشد تا اعتبار اهل و خاندان الله، محفوظ بماند. با همین نگرش در مبارزات انقلابی شرکت کرد و اعلامیه‌های امام خمینی (ره) را دست به دست و خانه به خانه به مردم رساند. بعد هم به میدان جنگ و جبهه اعزام شد تا مقابل دشمن، صف‌آرایی کند. سردار شهید سیدمحمد صنیع خانی در عملیات والفجر ۸ سال ۱۳۶۴ مجروح شد و روز ۱۴ شهریورماه سال ۱۳۷۴ به آرزوی دیرینه‌اش رسید.

سید مبارز و شهید

ویژه‌نامه روز هفتم
۱۵ تیر ۱۴۰۲
شماره ۸

۳

عمامه‌های سیاه

جمعیت سادات کُشورمان در شهرها و روستاها بسیار زیاد است. این افراد از گذشته همواره مورد احترام و توجه بودند و مثل هر گروه دیگری، پوشش آنها در گذشته شامل نمادهای مشخص بوده است. این نمادها برای این انتخاب می‌شدند که سادات همدیگر را بشناسند و ارتباطشان با یکدیگر حفظ شود و از طرف دیگر، مردم هم بتوانند با شناخت آنها احترامشان را نگاه دارند.

یکی از ارکان پوششی سادات عمامه بود؛ پوششی برای سر مردان که از پارچه نازک که دور سر پیچیده می‌شود و معمولاً این پارچه را روی عرقچین و در قدیم روی نوعی شبیه کلاه می‌پیچیدند. عمامه از خصایص اعراب بود و پس از ظهور اسلام، در سراسر کشورهای اسلامی رواج یافت و در آغاز اهل فضل و علمای دین و اندک اندک دیگر طبقات جامعه آن را پذیرفتند و در دیگر بلاد اسلامی به حدی اهمیت پیدا کرد که به عنوان میزان شخصیت و فضل افراد به شمار می‌رفت. در دوره خلفا، سپاهیان عمامه سیاه بر سر می‌گذاشتند و بعضی از بزرگان سادات و علویان شد و از قرن هشتم هجری قمری بیشتر رشد کرد و در ایران تا همین امروز عمامه سیاه و سبز مخصوص سادات است و عمامه سفید یا رنگ‌های زرد کم‌رنگ (شیر شکاری) از آن دیگر مردم.

● وارثان مظلومیت امام حسین ۴

استفاده سادات از عمامه سیاه، تأسی و پیروی از جسد بزرگوارشان حضرت رسول اکرم (ص) است. روایات زیادی وجود دارد که آن حضرت عمامه سیاه داشتند. چنانچه جعفر بن عمرو بن حرث گفته: «پیامبر (ص) را روی منبر دیدم در حالی که عمامه سیاه بر سر داشت و یک طرف آن بین شانه‌های او آویزان بود.» به مرور استفاده از رنگ سیاه به عنوان علامت سادات در میان سادات و بنی هاشم مرسوم شد. عده‌ای هم معتقدند که شاهان صفوی، عمامه سیاه را برای سادات شعار و علامت قرار دادند، تا به عنوان وارثان مظلومیت امام حسین (ع) دائماً در مصیبت جدها و عزادار باشند. امروزه استفاده از عمامه سیاه برای روحانی‌های سادات، مرسوم است.

● سرپند سیدی

رنگ سبز به عنوان رنگی آشنا که در پوشش ویژه سادات است و حتی عده زیادی از مردم به این رنگ سبز خاص، سبز سیدی می‌گویند؛ رنگی که در دوره‌های مختلف تاریخی به نمادی در پوشش سادات تبدیل شد و بعدها، استفاده از کلاه‌های گرد و عرق چین‌های سبز بین سادات رواج پیدا کرد. خیلی از سادات عادت داشتند شالی سبزرنگ را به عنوان نمادی از نسب و اعتقادات خود بر گردن ببندازند یا دور کمر ببندند. از آنجا که سادات غیر روحانی با لباسی شبیه به بقیه مردم در جامعه حضور داشتند، استفاده از سرپند و کلاه سبز برای نشان دادن سادات بودن آنها رواج پیدا کرد.

اهالی روستاهای طهران قدیم عید سادات را اینگونه گرامی می‌داشتند

سرمست

ولای حیدر کراریم

نیلوفر ذوالفقاری

پرچم‌های سبز که بر سر در خانه‌ها نصب و کوچه‌ها یا پارچه‌ها و کاغذهای رنگی مزین می‌شد و شربت و شیرینی میان روستاییان دست به دست می‌چرخید یعنی روز جشن بزرگ مسلمانان فرا رسیده بود. از دوره آل بویه در قرن چهارم هجری، روز عید غدیر یک جشن عمومی و یک روز تعطیل در تقویم ایرانی شد. ۵۰۰ سال بعد هم که شاه اسماعیل صفوی، تشیع را مذهب رسمی ایران اعلام کرد، غدیر جشن بزرگ ایرانی‌ها شد؛ یک جشن ملی و یکی از اعیاد رسمی. در همه این سال‌ها مردم مناطق مختلف کشورمان این روز مبارک را با برپایی آداب و رسوم ویژه‌ای جشن گرفته‌اند که بسیاری از آنها در این سال‌ها خیلی تغییر نکرده و بر اساس سنت‌های گذشته هنوز جاری است. اهالی روستاهای طهران هم برای روز عید غدیر، سنت‌ها و مراسم ویژه‌ای دارند که تلاش می‌کنند با برگزاری آنها، نسل جدید را به حفظ این آداب تشویق کنند.

عبادت و مولودی خوانی در شمیران

بعضی اعمال، آداب و رسوم عید غدیر خم، در میان اهالی مناطق مختلف کشورمان مشترک است. مثلاً در روستاهای قدیمی منطقه شمیران، شبیه به مناطق شمالی کشور، قدیمی‌های روستا غسل شب عید را بسیار مهم می‌شماردند و نماز، دعا، سلام و صلوات بر پیامبر و خاندان پاکش یکی از مهم‌ترین اعمال این شب و روز می‌دانستند. روزه هم که بسیار بر آن سفارش شده میان روستاییان با اهمیت بود. برپایی نماز عید غدیر در پیش از ظهر در مسجد روستا یا بقاع متبرکه که، همچنان جزو رسوم اصلی روستاییان اهل شمیران است. بر اساس مدارک معتبر خواندن دعای ندبه هم در چند عید مستحب بوده که یکی از آنها عید غدیر است. معمولاً مراسم دعا، مولودی خوانی و سخنرانی امام جماعت روستا در میدان اصلی یا بزرگ‌ترین حسینیه روستا و حتی گاهی در خانه مسن‌ترین سید روستا برپا می‌شد. همچنان رسم است که سادات مسن و ریش سفید روستا، در خانه خود را باز می‌گذارند و این نشانه‌ای از آمادگی آنها برای پذیرش مهمان است.

عیدی گرفتن از سادات

در روستاهای نزدیک به مرز شرقی و شمال شرقی پایتخت مثل روستاهای دماوند، عیدی گرفتن از سادات یکی از رسوم قدیمی این روز است. قدیمی‌ها می‌گویند بچه‌ها اسکناس‌های امضا شده به دست سادات را در قلک می‌انداختند و کاسب‌ها عیدی را برای برکت دادن به کسب و کارشان روی دخل می‌گذاشتند. پیش از آن هم بعضی سادات سکه‌ای را به عنوان ته کیسه با پارچه سبز و سفید رنگ، به عنوان تبرک که به مهمانانشان می‌دادند. باور اهالی روستا این بود که ته کیسه‌ها نباید خرج شوند و نگاه داشتن آنها در سال باعث افزایش برکت در زندگی می‌شود. همچنین از دیرباز تاکنون رایج است شب عید غدیر و صبح روز عید، مردم به دیدار سادات برای عرض تبریک و دریافت هدیه‌ای به رسم تبرک و برکت می‌روند و به آنان تبریک می‌گویند و ادای احترام می‌کنند. سادات هم با شربت، شیرینی، میوه، نان محلی، چای و الهدای هدیه‌ای، از مهمانان پذیرایی و قدر دانی می‌کنند. از آنجا که دید و بازدید در عید غدیر رسمی جالافتاده و معمول است، سادات از چند روز مانده به عید غدیر خانه‌هایشان را خانه‌تکانی و آراسته می‌کنند تا آماده پذیرش مهمان باشند.

دیدار با خانواده شهدای سادات ورامین

سال‌هاست برپایی جشن و ولایت علوی در استان امامزادگان طاهر و مطهر (ع) خیرآباد توابع ورامین، جزو سنت‌های ثابت اهالی این منطقه از پایتخت محسوب می‌شود. آنها با آراستن سر در خانه‌ها با پارچه‌ها و پرچم‌های سبزرنگ، کوچه‌ها را چراغانی و آذین‌بندی می‌کنند. در مناطق حاشیه‌ای ورامین، نان محلی نذری در عید غدیر توزیع می‌شود. ورامینی‌ها در روز عید غدیر به دیدار خانواده‌های شهدای سادات هم می‌روند. دید و بازدید یکی از سنت‌های مرسوم عید غدیر است که در روستاهای ورامین هم مثل بیشتر شهرها و روستاهای کشورمان جدی انجام می‌شود. دیدار با سادات از رسوم قدیمی مردم طهران در عید غدیر است که از این‌رو با خانواده‌های شهید دیدار می‌کنند و به آنها عیدمبارکی می‌گویند. در خانه سیدها را می‌زدند و می‌گفتند: «آمدیم عید را تبریک بگوییم و یک چای با هم بنوشیم.» بعد هم دست و پیمانی سیدها را به نشانه احترام و علاقه می‌بوسیدند.

عید سیدها در روستای مزرعه سادات لواسان

یکی از روستاهای لواسان کوچک که ۵۰۰ سال قدمت دارد، روستای مزرعه سادات است که ۴ طایفه ریحانی، سیدیوسفی، میرطاهری و میرمحمدی که همگی از سادات هستند، اهالی اصلی روستا را تشکیل می‌دهند؛ طایفه‌هایی که دلیل نامگذاری روستا را هم مشخص می‌کند. عید غدیر در این روستا با شور و حال ویژه‌ای برگزار می‌شود و اهالی روز عید را به دید و بازدید یا پذیرایی از مهمانان می‌گذرانند. انداختن شال سبز بر گردن، یکی از آداب سادات این روستا در عید غدیر است. بسیاری از اهالی هم پرچم‌های سبز بر سر در خانه‌هایشان نصب می‌کنند. پخت نان و کلوچه محلی و توزیع آن میان مردم هم در این عید مرسوم است. در مسجد روستا هم از قدیم رسم بوده سفره‌ای از شربت و شیرینی پهن می‌کنند. ریش سفیدان روستا هم به کوچک‌ترها عیدی می‌دهند. از آنجا که بیشتر جمعیت این روستا سادات هستند، حال و هوای عید غدیر در این روستا بسیار شبیه به ایام نوروز، با همان دید و بازدیدها و مهمانی‌هاست. پوشیدن لباس سبز و انداختن سفره‌های سبزرنگ برای پذیرایی از مهمانان در روز عید غدیر، برخی دیگر از آداب مشترک این روستای سادات‌نشین است.

موکب‌های جشن در غرب پایتخت

در روستاهای غرب پایتخت، برپایی موکب‌های برگزاری جشن غدیر، جزو سنت‌های قدیمی است. معمولاً مساجد موکب می‌زنند و مسافران و افراد رهگذر، از خدمات موکب و نذوراتی که توزیع می‌شود استفاده می‌کنند. مثلاً در روستای سهرابیه البرز، جشنی توسط اهالی مسجد با حضور پرشور مردم روستا برگزار می‌شود. پخش شربت و شیرینی میان مردم محله‌ها در روز عید غدیر مرسوم است. در روستاهای حوالی غرب پایتخت و روستاهای حاشیه البرز این رسم در عید غدیر وجود داشته که کلسبان و مغازدارها در این روز کار را تعطیل و برای برگزاری جشن عید غدیر به بقیه اهالی کمک کنند. خیلی از روستاییان هم این روز را به برپایی مراسم بله‌برون و عقد اختصاص می‌دهند و معتقدند پیمان ازدواج در این روز مبارک، خوش‌یمن است. بردن عیدی برای تازه‌عروس و دامادها، جزو رسوم پسندیده عید غدیر در روستاهای محدوده ساوجبلاغ است. یکی دیگر از رسوم روستاییان این محدوده در عید غدیر هم، آشتی دادن آن دسته‌ای اهالی بود که از هم کدورتی داشتند. این رسم همچنان پابرجاست.

خیرخواهی اهالی شهری

شهری، میزبان مرقد مطهر امامزاده شاه‌عبدالعظیم (ع) است و به همین دلیل، مراسم دینی و مذهبی، چه عزاداری و چه جشن، در اینجا و روستاهای اطرافش با شور بیشتری برگزار می‌شود. یکی از آداب قدیمی اهالی شهری در اعیاد مذهبی که در عید غدیر هم اجرا می‌شود، حضور در حرم امامزاده (ع) و انجام آداب روز عید در این فضای معنوی است. هر سال تجمع عاشقان و ارادتمندان به ولایت باندا «علی ولی‌الله» صبح غدیر در مسیرهای منتهی به حرم برگزار و مراسم جشن و اطعام عید غدیر در روستاهای شهری برپا می‌شود. برپایی خیمه جشن، برگزاری نماز روز عید غدیر و خواندن دعای ندبه در حرم حضرت عبدالعظیم (ع)، از سنت‌های مرسوم در شهری است. ریش سفیدها و سادات شهری هم در روز عید غدیر، با برگزاری دوره‌های مختلف، از خیران دعوت می‌کنند برای برآوردن نیازهای مردم و رفع گرفتاری آنان یکی از سنت‌های پسندیده دین است. پیشقدم شوند. تهیه چیزی به برای دختران دم‌بخت، یکی از رسوم قدیمی اهالی شهری در این روز مبارک است.